

اثر سیاست‌های حمایتی دولت بر انگیزه تولید محصولات عمده زراعی:

کاربرد ماتریس تحلیل سیاستی

غلامرضا خادمی پور، بهاء الدین نجفی
عضو هیئت علمی دانشگاه کشاورزی و منابع طبیعی رامین (اهواز)، استاد بخش اقتصاد کشاورزی دانشگاه شیراز

کد: PD145

چکیده

بررسی روند آثار مداخلات دولت در فرآیند تولید محصولات کشاورزی به منظور تصمیم‌گیری در مورد ادامه سیاست‌گذاری‌های موجود یا تدوین برنامه‌هایی کارآمدتر از اهمیت خاصی برخوردار است. بر همین اساس، این مطالعه با هدف اصلی بررسی اثر سیاست‌های حمایتی دولت بر انگیزه تولید محصولات زراعی گندم، برنج، پنبه و چغندر قند، طی سالهای ۸۳-۱۳۶۸ انجام شد. بدین منظور با استفاده از ساختار هزینه-درآمد هر یک از محصولات و کاربرد روش ماتریس تحلیل سیاستی، ضرایب حمایت اسمی، ضریب حمایت مؤثر، مزیت نسبی و سودآوری هر یک از محصولات محاسبه گردید. سپس نتایج حاصل مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت. نتایج بدست آمده نشان داد که دولت با وجود اینکه در طی سالهای مورد مطالعه همواره تلاش کرده است تا از طریق پرداخت یارانه ضمنی به عوامل تولید انگیزه اقتصادی تولید محصولات را تقویت نماید، اما این فرآیند یارانه‌ای را از طریق تعیین قیمت تضمینی و کاهش درآمد تولیدکنندگان برای محصولات مورد مطالعه بجز برنج و پنبه خنثی نموده است. بنابراین در مجموع سیاست‌های حمایتی دولت موجب تضعیف انگیزه تولید محصولات شده است.

کلمات کلیدی: ماتریس تحلیل سیاستی، مزیت نسبی، سیاست حمایتی، محصولات زراعی

مقدمه

سیاست حمایت‌گرایی و در مقابل آن آزادسازی تجاری یکی از راهبردهای بنیادی در اتخاذ سیاست توسعه اقتصادی است که ریشه در حفظ منافع ملی در مقابل رقابت‌های خارجی دارد. این راهبرد در واقع بر اساس مطالعات (Fang, C. and Beghin, J. 2003) با توصیه به برافراشتن حصارهای بلند حمایتی از قبیل تعرفه و سایر محدودسازی‌های تجاری پیرامون بخش‌های اقتصادی خواهان ایجاد شرایط مطلوب برای رشد این بخش‌ها است. در همین راستا، بخش کشاورزی که نقش اصلی را در تأمین مواد غذایی کشورها دارد همواره و به طور گسترده‌تر در طی سه دهه اخیر از سوی

دولت‌ها و بویژه کشورهای در حال توسعه مورد حمایت واقع شده است. در واقع به باور کوبورسی (Kubursi, A. A. 2005)، دولت‌ها کوشیده‌اند تا با اعمال سیاست‌هایی چه به صورت مستقیم مانند تعیین قیمت‌های تضمینی و تثبیتی محصولات و پرداخت یارانه به نهاده‌هایی همچون کود شیمیایی، سموم، ماشین‌آلات و چه به صورت غیر مستقیم از طریق اعمال سیاست‌های متفاوت نرخ ارز، پرداخت یارانه به اعتبارات بخش کشاورزی و اعمال محدودیتهای گمرکی و تعرفه‌ای بر محصولات و نهاده‌های وارداتی، از بخش کشاورزی حمایت نمایند. تا از این طریق به منظور دستیابی به اهدافی چون افزایش درآمد تولیدکنندگان، افزایش تولید، کنترل نوسانات شدید قیمت مواد غذایی به نفع مصرف‌کنندگان، افزایش صادرات محصولات کشاورزی و حمایت از محصولات استراتژیک داخلی در مقابل محصولات رقیب وارداتی بهره‌برند. در این راستا برخی از مطالعات از جمله وزارت جهاد کشاورزی (۱۳۸۲) مزیت نسبی، اشتغال‌زایی و ارزیابی گروهی از محصولات منتخب بخش کشاورزی شامل هشت محصول زراعی و ده محصول باغی را برای سال زراعی ۱۳۷۷-۷۸ مورد بررسی قرار داده است. آنها در این مطالعه با استفاده از رهیافت ماتریس تحلیل سیاستی، مزیت نسبی محصولات مورد مطالعه را از دیدگاه توسعه صادرات برای سه بازار هدف یعنی کشورهای آسیای میانه، کشورهای حوزه خلیج فارس و کشورهای اروپایی مورد ارزیابی قرار داده است. نتایج حاصل از این مطالعه بیانگر این مطلب است که در طول دوره مورد بررسی بازار نهاده برای تمام محصولات مورد مطالعه بجز گندم و چای از طرف دولت مورد حمایت قرار گرفته و ایران در صادرات محصولات کشاورزی به طور عمده به کشورهای حاشیه خلیج فارس از مزیت نسبی برخوردار است. پیرایی و مجاوریان (۱۳۸۲)، اثر سیاست‌های حمایتی دولت از محصولات زراعی را بر رشد عوامل تولید، برای محصولات گندم آبی و دیم، جو آبی و دیم، شلتوک، پنبه، چغندر قند و سیب زمینی طی سال‌های ۱۳۶۶-۷۸ مورد ارزیابی قرار داده‌اند. آنها در مطالعه خود به منظور دستیابی به پاسخ این سئوالات که آیا بین قیمت‌های حمایتی و رشد بهره‌وری محصولات کشاورزی رابطه‌ای وجود دارد؟ و آیا تأثیرات قیمت‌های حمایتی بر رشد بهره‌وری محصولات یکسان است؟ با استفاده از داده‌های ادغام شده اقدام به برآورد یک الگوی اقتصادسنجی کرده‌اند. در نهایت نتایج حاصل از مطالعه آنها نشان داد که تنها سه محصول گندم، جو آبی و چغندر قند دارای رشد بهره‌وری مثبت، در سطح معنی‌دار ۱۰٪ می‌باشند. همچنین نتایج حاصل از تجزیه و تحلیل واریانس برابری رشد نشان داد که، اولاً سیاست‌های حمایتی دولت در طی دوره مورد بررسی لزوماً موجب بهبود بهره‌وری عوامل تولید نشده و محصولات مختلف نیز از نظر تأثیرپذیری از قیمت‌های

حمایتی تفاوت معنی داری با یکدیگر ندارند. بنابراین ضرورت دارد که قیمت حمایتی از جنبه های دیگر، از جمله توزیع حمایتها نیز مورد نقد و ارزیابی قرار گیرد.

همچنین بر اساس مطالعه رحیمی (۱۳۷۶)، دولت به منظور حمایت از مصرف کننده و تولید کننده همه ساله مبالغ هنگفتی را صرف پرداخت یارانه‌ها بویژه یارانه های بخش کشاورزی می نماید. این گونه حمایت ها از قبل از انقلاب تا کنون نیز وجود داشته و گاهی اوقات روند صعودی نیز به خود گرفته است. از طرفی دیگر، دولت در جهت بهینه سازی و هدفمند نمودن یارانه های پرداختی، در قالب برنامه های پنج ساله در طی سال های ۸۳-۱۳۶۸ به منظور افزایش تولید، سودآوری و افزایش کارایی عوامل تولید بخش کشاورزی اقدام به اتخاذ سیاست‌هایی از قبیل کاهش و در نهایت حذف تدریجی یارانه نهاده های وارداتی و افزایش قیمت خرید تضمینی محصولات استراتژیک نمود.

حال با توجه به این که سیاست های حمایتی دولت می تواند بر بسیاری از متغیرهای مختلف اقتصادی از جمله، چگونگی تخصیص منابع تولید، ترکیب کشت محصولات، توزیع در آمد، همچنین ترغیب تولید کنندگان به سرمایه گذاری و در نهایت تشکیل سرمایه های ثابت در این بخش تأثیر گذار باشد. همچنین نظر به اینکه کشور ما در صدد پیوستن به سازمان تجارت جهانی که عضویت در آن مشروط به یک برنامه زمانبندی شده کاهش کنترل حمایت‌ها می باشد. هدف اصلی این مطالعه بررسی و کنکاش پیرامون روند آثار سیاست‌های حمایتی دولت بر انگیزه تولید، سودآوری و مزیت نسبی محصولات گندم، برنج، پنبه و چغندر قند در طول اجرای برنامه های توسعه اقتصادی طی سال های زراعی ۱۳۸۳-۱۳۶۸ می باشد

مواد و روش‌ها

در این مطالعه ضمن ارائه یک چهارچوب تئوریک با عنوان ماتریس تحلیل سیاستی معیارهای حمایت با استفاده از روش هزینه منابع داخلی، نسبت هزینه به منفعت اجتماعی و سود خالص اجتماعی به منظور بررسی اثر سیاست‌های حمایتی دولت بر انگیزه اقتصادی تولید کنندگان مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت.

ماتریس تحلیل سیاستی ((PAM)

ماتریس تحلیل سیاستی ابزاری است که می توان در قالب آن با مقایسه ساختار هزینه-درآمد محصولات در ارزش های بازاری (واقعی) ۲ و سایه ای (حقیقی) ۳ و برآورد شکاف بین این دو وضعیت، کارایی سیاست های حمایتی دولت را مورد بررسی قرار داد. شمای تئوریک ماتریس در جدول زیر نشان داده شده است.

جدول ۱- ماتریس تحلیل سیاستی (PAM)

	درآمدها	هزینه ها		سود
		نهاده های قابل تجارت	نهاده های غیر قابل تجارت	
به قیمت بازاری	A	B	C	D
به قیمت سایه ای	E	F	G	H
اختلاف	I	J	K	L

مأخذ: (Monke, E. A. and Pearson, S. R. 1989)

اجزاء ماتریس نیز عبارتند از

A= درآمد کل حاصل از یک هکتار از محصولات به قیمت های بازاری

B= مجموع هزینه نهاده های قابل تجارت ۱ یک هکتار از محصولات به قیمت های بازاری

C= مجموع هزینه نهاده های غیر قابل تجارت ۲ یک هکتار از محصولات به قیمت های بازاری

D= سود به قیمت های بازاری

E= درآمد کل یک هکتار از محصولات به قیمت های سایه ای

F= مجموع هزینه نهاده های قابل تجارت یک هکتار از محصولات به قیمت های سایه ای

G= مجموع هزینه نهاده های غیر قابل تجارت یک هکتار از محصولات به قیمت های سایه ای و

H= سود به قیمت های سایه ای

۲- Market Price or Actual Price

۳- Shadow Price or Real Price

1- Tradable Inputs

2- Non- Tradable Inputs

بر اساس مطالب بالا، نرخ حمایت اسمی نهاده های قابل تجارت به صورت زیر محاسبه می گردد.

$$NPCI = \frac{B}{F} \quad (1)$$

در رابطه بالا اگر $NPCI > 1$ باشد نشان دهنده دریافت یک مالیات ضمنی از تولید کنندگان و کاهش انگیزه اقتصادی تولید و چنانچه $NPCI < 1$ باشد نشان دهنده ایجاد یارانه ضمنی بر تولید کننده و افزایش انگیزه اقتصادی تولید می باشد. در صورتی که $NPCI = 1$ باشد نشان دهنده عدم هرگونه مداخله دولت می باشد. نرخ حمایت اسمی محصول که میزان انحراف قیمتهای داخلی را از قیمت های سایه ای است. به صورت زیر محاسبه می گردد:

$$NPCO = \frac{A}{E} \quad (2)$$

در رابطه بالا اگر $NPCO > 1$ باشد. بدین معنی است که دولت از بازار محصول در مقابل محصولات مشابه خارجی حمایت می کند و اگر $NPCO < 1$ باشد نشانگر دریافت مالیات ضمنی از تولید کنندگان می باشد و حالت $NPCO = 1$ نیز بیانگر عدم هرگونه مداخله دولت در بازار محصول می باشد. ضریب حمایت مؤثر که نشان دهنده تأثیر توأم مداخلات دولت در بازار نهاده و محصول می باشد به صورت زیر محاسبه می گردد

$$= EPC \frac{A - B}{E - F} \quad (3)$$

در این رابطه چنانچه $EPC > 1$ باشد نشان دهنده این موضوع است که برآیند حمایت های دولت در بازار نهاده و محصول به صورت حمایت بوده است. بر عکس اگر $EPC < 1$ باشد بدین معنا است که دخالت های دولت موجب عدم حمایت و تبعیض در بازار نهاده و محصول شده است و اگر $EPC = 1$ باشد نشان دهنده عدم هرگونه تحریف دولت در بازار نهاده و محصول می باشد.

روش هزینه منابع داخلی (DRC) 1

¹ - Domestic Resource Cost (DRC)

ضریب هزینه منابع داخلی به صورت نسبت هزینه منابع داخلی (نهاده های غیر قابل تجارت) بکار رفته در امر تولید بر حسب قیمت های سایه ای به ارزش افزوده نهاده های قابل تجارت در قیمت های سایه ای تعریف می گردد و به صورت زیر محاسبه می شود:

$$DRC = \frac{G}{E - F} \quad (4)$$

اگر $DRC < 1$ باشد بیانگر وجود مزیت نسبی در تولید محصول می باشد. اگر $DRC > 1$ باشد بیانگر عدم مزیت نسبی و اگر $DRC = 1$ باشد نشان دهنده وضعیت سر به سر می باشد.

روش سود خالص اجتماعی (1) (NSP)

در این معیار کل هزینه های و درآمد سایه ای مورد مقایسه قرار می گیرد. این معیار به صورت زیر محاسبه می گردد:

$$NSP = E - (G + F) \quad (5)$$

که در رابطه بالا چنانچه $NSP > 0$ باشد بیانگر وجود مزیت نسبی و اگر $NSP < 0$ باشد نشان دهنده عدم مزیت نسبی در تولید کالا یا محصول مورد نظر می باشد.

روش نسبت هزینه به منفعت اجتماعی (1) (SCB)

این روش بر اصل پیشینه کردن سود خالص اجتماعی متضمن است. نسبت هزینه به منفعت اجتماعی به صورت زیر محاسبه می گردد:

$$SCB = \frac{G + F}{E} \quad (6)$$

صورت کسر کل هزینه های تولید به قیمت سایه ای و مخرج کسر درآمد سایه ای کل می باشد. در این رابطه اگر $SCB < 1$ باشد تولید محصول دارای مزیت نسبی می باشد. اگر $SCB > 1$ باشد در تولید محصول عدم مزیت نسبی و اگر $SCB = 1$ باشد مزیت نسبی در نقطه سر به سر قرار دارد.

تعیین اجزاء ماتریس تحلیل سیاستی

1- Net Social Profit (NSP)

¹ - Social Cost-Benefit (SCB)

ماتریس تحلیل سیاستی در حالت کلی بر پایه محاسبه سود به ارزشهای بازاری (واقعی) و ارزشهای سایه ای (حقیقی) بنا شده است بر اساس این روش هزینه های تولید به دو گروه هزینه عوامل تولید قابل تجارت و غیر قابل تجارت (داخلی) تقسیم می گردند. منظور از نهاده های قابل تجارت آن دسته از عوامل تولیدی است که در بازارهای جهانی مورد مبادله قرار می گیرند و نهاده های داخلی نیز به آن دسته از عوامل تولید گفته می شود که به دلیل تحرک پذیری کم در بازارهای بین المللی قابل مبادله نیستند. در این مطالعه برای دستیابی به هزینه های تولید، هزینه مربوط به عوامل تولید انواع کودهای شیمیایی (شامل: کود نترات آمونیوم، سوپر فسفات ها و پتاسه)، انواع سموم دفع آفات نباتی (شامل: قارچ کش، علف کش حشره کش)، بذر محصولات و هزینه های مربوط به کیسه برای بارگیری محصولات جزء هزینه عوامل تولید قابل تجارت در نظر گرفته شد. هزینه های مربوط به عوامل تولید نیروی کار، زمین، آب و کود حیوانی به دلیل عدم مبادله در بازارهای جهانی جزء هزینه عوامل تولید غیر قابل تجارت در نظر گرفته شد. در مورد هزینه ماشین آلات نیز به دلیل ماهیت دوگانه آن با در نظر گرفتن میزان واردات و صادرات انواع ماشین آلات کشاورزی و بر اساس برخی از مطالعات انجام شده در این زمینه از جمله مطالعه وزارت جهاد کشاورزی (۳۳). ۳۶ درصد هزینه کل ماشین آلات به عنوان هزینه نهاده غیر قابل تجارت و ۶۴ درصد آن جزء هزینه نهاده های قابل تجارت در نظر گرفته شد.

ارزش بازاری (واقعی) محصولات و نهاده ها، هزینه های تولید، مقادیر مصرف نهاده ها و اجزاء مربوط به تعیین درآمد محصولات از پرسشنامه های هزینه تولید محصولات کشاورزی برای متوسط کل کشور طی سالهای زراعی ۸۳-۱۳۶۸ بدست آمد. در این مطالعه برای دستیابی به ارزش سایه ای محصولات از روش برآورد معادل قیمت های جهانی در سرمرز استفاده گردید. بدین صورت که برای آن دسته از محصولاتی که در سال زراعی مورد مطالعه به کشور وارد می شدند از قیمت های C.I.F آنها در سرمرز و محصولاتی که به خارج از کشور صادر می شدند از قیمت های F.O.B آنها در سرمرز، پس از تبدیل بر حسب پول داخلی به عنوان ارزشهای سایه ای استفاده گردید.

تعیین نرخ سایه ای ارزش

برای محاسبه نرخ سایه ای ارزش از نظر اقتصاددانان اجماعی وجود ندارد و بر این اساس روشهای متعددی برای محاسبه آن مطرح گردیده است. از جمله این روشها، روش نرخ ارز مؤثر، روش برابری قدرت خرید تعریف شده است در میان روشهای یاد شده، روش برابری قدرت

خرید به دلیل سادگی و در دسترس بودن آمار و اطلاعات مورد قبول طیف گسترده ای از اقتصاد دانان است و در بسیاری از کشورهای توسعه یافته و در حال توسعه نیز مورد استفاده قرار گرفته است. از این رو در این مطالعه نیز به منظور دست یابی به نرخ سایه ای ارز از رهیافت نرخ برابری قدرت خرید استفاده گردید.

روش برابری قدرت خرید (PPP) ۲

محاسبه نرخ واقعی ارز بر اساس روش برابری قدرت خرید بر این اصل استوار است که قیمت کالاهای تجاری یا سطح عمومی قیمت های بین دو کشور، تعیین کننده نرخ ارز تعادلی می باشد. به عبارت دیگر این نظریه سطح قیمت ها را عامل تعیین کننده نرخ ارز در بلند مدت قلمداد می کند و رابطه آن را در حالت کلی به صورت زیر بیان می نماید.

$$SER = ER \frac{PT}{PN} \quad (7)$$

که در آن (SER) نرخ سایه ای یا تعادلی ارز، ER نرخ اسمی ارز و PT، شاخص قیمت های داخلی و PN شاخص قیمت های خارجی است
روش نسبی برابری قدرت خرید (PPP نسبی)
در این روش قدرت خرید یک سبد کالا در دو کشور بوسیله نرخ ارز در سال پایه برای شاخص قیمت ها تعدیل می گردد

$$SER = E0 \frac{P_i}{P_i^*} \quad (8)$$

در رابطه بالا E0 نرخ ارز اسمی در سال مبدأ، PI شاخص قیمت مصرف کننده داخلی و Pi شاخص قیمت مصرف کننده کشور خارجی می باشد.

قسمت عمده آمار و اطلاعات مورد نیاز این مطالعه مربوط به ضرایب داده- ستاده محصولات کشاورزی طی سال های زراعی ۸۳-۱۳۶۸ است، که از طریق بانک اطلاعات مربوط به طرح هزینه تولید محصولات کشاورزی در کل کشور فراهم گردید. همچنین آمار و اطلاعات مربوط به میزان صادرات، واردات، تولید کل، سطح زیر کشت و عملکرد در هکتار هر یک از محصولات طی سال های مورد مطالعه از نشریه بانک اطلاعات کشاورزی ایران و جهان وابسته به وزارت جهاد کشاورزی

² - Purchasing Power Parity (PPP)

بدست آمد. آمار و داده های مربوط به قیمت های جهانی محصولات و نهاده ها و آمار مربوط به نرخ ارز و شاخص های قیمت نیز از نشریات صندوق بین المللی پول وابسته به بانک جهانی بدست آمد. همچنین قیمت های سرمرز محصولات و نهاده ها برای ایران و آمار مربوط به قیمت های داخلی و دستمزد نیروی کار نیز به ترتیب از سالنامه های آمار بازرگانی خارجی کشور و آمار نامه های مرکز آمار ایران فراهم گردید.

نتایج و بحث

گندم

. مقایسه روند ضرایب (NPC_i) نشان می دهد که دخالت های دولت در بازار نهاده های قابل تجارت در تولید گندم همواره به صورت حمایت بوده و مقایسه این ضرایب نشان می دهد که دولت به سمت کاهش حمایت ها از بازار نهاده حرکت کرده است. مقایسه روند ضرایب حمایت اسمی محصول گندم نشان می دهد که این محصول همواره مورد عدم حمایت واقع گردیده است. مقایسه روند ضریب (EPC) هم نشان دهنده این است که مداخلات دولت در امر بازارهای محصول و نهاده به صورت تبعیض مؤثر بوده است. همچنین بر اساس نتایج حاصل از جدول زیر تولید گندم همواره در طی سال های ۸۳-۱۳۶۸ بر اساس هر سه معیار از مزیت نسبی برخوردار بوده است. بر همین اساس، در تمام دوره مورد بررسی سود خالص اجتماعی مثبت می باشد. نتایج کلی حاصل از بررسی روند آثار سیاست های حمایتی دولت های قابل تجارت و داخلی همواره حمایت کرده است.

جدول ۲: ضرایب حمایت و معیار های مزیت نسبی گندم برای سال های ۸۳-۱۳۶۸

سال زراعی	NPC ₁	NPC ₀	EPC	DRC	NSP (هزار ریال)	SCB
۱۳۶۸-۶۹	۰/۲۴	۰/۳۲	۰/۳۵	۰/۳۱	۴۶۲	۰/۵
۱۳۶۹-۷۰	۰/۲۴	۰/۴۲	۰/۴۸	۰/۲۹	۵۱۶	۰/۴۸
۱۳۷۰-۷۱	۰/۲۷	۰/۳۸	۰/۴۱	۰/۲۵	۶۴۲	۰/۴۳
۱۳۷۱-۷۲	۰/۳۲	۰/۴۷	۰/۵۲	۰/۴۲	۵۷۴	۰/۵۵
۱۳۷۲-۷۳	۰/۴	۰/۵۵	۰/۶	۰/۵۳	۵۳۲	۰/۶۴
۱۳۷۳-۷۴	۰/۳۲	۰/۴	۰/۴۳	۰/۵	۱۰۱۲	۰/۶۲
۱۳۷۴-۷۵	۰/۳	۰/۴۳	۰/۴۸	۰/۴۸	۱۰۹۴	۰/۶۳
۱۳۷۵-۷۶	۰/۳۶	۰/۴۲	۰/۴۴	۰/۳۹	۱۸۷۴	۰/۵۳
۱۳۷۶-۷۷	۰/۳۸	۰/۵۳	۰/۵۸	۰/۴۱	۱۶۲۴	۰/۵۷
۱۳۷۷-۷۸	۰/۴	۰/۵۸	۰/۶۶	۰/۴۸	۱۳۹۲	۰/۶۳

۰/۶۱	۱۵۸۹	۰/۴۹	۰/۶۱	۰/۵۸	۰/۵	۱۳۷۸-۷۹
۰/۵۸	۲۰۴۲	۰/۴۵	۰/۶۷	۰/۶۵	۰/۵۷	۱۳۷۹-۸۰
۰/۵۹	۱۸۴۰	۰/۴۴	۰/۵۹	۰/۶۶	۰/۵۶	۱۳۸۰-۸۱
۰/۶۱	۲۱۴۱	۰/۳۹	۰/۶۷	۰/۶۸	۰/۴۸	۱۳۸۱-۸۲
۰/۶۴	۱۷۹۲۵	۰/۴۹	۰/۵۴	۰/۶۷	۰/۵۸	۱۳۸۲-۸۳

مأخذ: یافته های تحقیق

برنج

بر اساس نتایج حاصل از جدول زیر مقایسه روند ضریب حمایت اسمی نهاده های قابل تجارت (NPC_I) برنج بیانگر حمایت از بازار این نهاده ها در طی سالهای مورد مطالعه می باشد. از طرفی دیگر مقایسه روند ضریب حمایت اسمی محصول (NPC_O) که نشان دهنده آثار دخالت دولت در قیمت فروش محصول در بازار داخلی می باشد نشان می دهد که علیرغم برخی نوسانات، دولت از قیمت محصول به نفع تولید کننده داخلی حمایت کرده است. بررسی ضریب حمایت مؤثر (EPC) نشان می دهد که برآیند مداخلات دولت در بازار نهاده های قابل تجارت و محصول از سال ۱۳۷۵-۷۶ به بعد مثبت شده و دولت از این سال به بعد به سمت حمایت مؤثر از برنج (شلتوک) حرکت کرده است. مقایسه سه معیار مزیت نسبی SCB, NSP, DRC برنج در داخل با نوساناتی همراه بوده است. به طوری که کشور در نیمی از سال های مورد مطالعه به طور جدی از مزیت نسبی برخوردار نبوده و در بقیه سال ها نیز این معیار ها بیشتر به سمت عدم مزیت نسبی گرایش داشته اند.

جدول ۳: ضرایب حمایت و معیار های مزیت نسبی برنج برای سال های ۱۳۶۸-۸۳

سال زراعی	NPC _I	NPC _O	EPC	DRC	NSP (هزار ریال)	SCB
۱۳۶۸-۶۹	۰/۳۶	۱/۱۲	۱/۸	۱/۶۵	-۴۵۴	۱/۳۴
۱۳۶۹-۷۰	۰/۲۹	۰/۷۳	۰/۹۷	۰/۷۸	۲۴۹	۰/۸۵
۱۳۷۰-۷۱	۰/۳	۰/۹۶	۱/۴	۱/۰۶	-۷۴	۱/۰۳
۱۳۷۱-۷۲	۰/۲۶	۰/۷	۱/۰۸	۱/۱	-۱۷۲	۱/۰۷
۱۳۷۲-۷۳	۰/۵۹	۰/۹	۰/۹۶	۰/۷	۵۹۶	۰/۷۸
۱۳۷۳-۷۴	۰/۴۷	۰/۷۱	۰/۷۶	۰/۶۵	۱۲۷۴	۰/۷
۱۳۷۴-۷۵	۰/۴	۰/۶۷	۰/۷۳	۰/۶	۲۰۲۲	۰/۶۶
۱۳۷۵-۷۶	۰/۴۴	۰/۸۵	۰/۹۲	۰/۵۷	۲۵۰۹	۰/۶۲
۱۳۷۶-۷۷	۰/۴۴	۱/۶	۲/۰۸	۱/۳	-۱۲۷۲	۱/۲
۱۳۷۷-۷۸	۰/۴۶	۱/۸	۲/۳	۱/۴	-۲۰۴۱	۱/۳
۱۳۷۸-۷۹	۰/۶۵	۱/۹۱	۲/۱۴	۰/۷	۱۵۵۰	۰/۷۵

۱/۲۶	-۱۷۳۳	۱/۳۴	۲/۲۲	۱/۹	۰/۶۸	۱۳۷۹-۸۰
۱/۴۱	-۱۸۳۵	۱/۲	۲/۴	۱/۴	۰/۶۴	۱۳۸۰-۸۱
۰/۸۵	۱۹۴۵	۰/۶۷	۲/۱	۱/۸۵	۰/۵۳	۱۳۸۱-۸۲
۱/۳۸	-۱۶۷۵	۱/۲	۲/۳۸	۱/۷۶	۰/۴۴	۱۳۸۲-۸۳

مأخذ: یافته های تحقیق

پنبه

مقایسه روند ضریب حمایت اسمی نهاده های قابل تجارت (NPCI) نشان دهنده این موضوع است که دولت همواره از بازار این نهاده ها به نفع تولید کنندگان داخلی حمایت کرده است. اما این حمایت ها در طی سالهای مختلف یکسان نبوده است. از طرفی دیگر بررسی روند حمایت های دولت از بازار نهاده های قابل تجارت نشان دهنده تغییر جهت سیاست های دولت از سال ۷۵-۱۳۷۴ از حمایت به سوی عدم حمایت می باشد. همچنین مقایسه روند ضریب حمایت اسمی پنبه (NPCO) حاکی از این مطلب است که دولت تا سال ۷۵-۱۳۷۴ از پنبه به صورت ضمنی مالیات دریافت می کرده و از این سال به بعد از پنبه حمایت کرده است. مقایسه روند ضریب حمایت مؤثر (EPC) بیانگر موضوع است که دولت بوسیله دریافت مالیات ضمنی از پنبه طی سالهای ۷۴-۱۳۶۸ فرآیند پرداخت یارانه ضمنی به نهاده ها را خنثی کرده است. مقایسه معیارهای مختلف مزیت نسبی طی سالهای مختلف نشان دهنده این موضوع است که مزیت نسبی پنبه طی سالهای مختلف نوسانات زیادی داشته است. باشد.

جدول ۴: ضرایب حمایت و معیارهای مزیت نسبی پنبه برای سال های ۸۳-۱۳۶۸

SCB	NSP (هزار ریال)	DRC	EPC	NPC _O	NPC _I	سال زراعی
۰/۲۷	۱۲۸۶	۰/۲۵	۰/۳	۰/۳۲	۰/۸۵	۱۳۶۸-۶۹
۰/۵۳	۷۳۳	۰/۴۳	۰/۵۴	۰/۴۸	۰/۲	۱۳۶۹-۷۰
۰/۳۸	۱۱۷۴	۰/۲۷	۰/۴۵	۰/۴۲	۰/۲۲	۱۳۷۰-۷۱
۰/۷۸	۲۸۱	۰/۷۲	۱/۱۹	۱/۰۳	۰/۴۱	۱۳۷۱-۷۲
۰/۲۸	۳۷۵۹	۰/۲۳	۰/۶	۰/۶	۰/۵۵	۱۳۷۲-۷۳
۰/۴۲	۳۱۰۷	۰/۳۵	۰/۵۸	۰/۵۷	۰/۴۵	۱۳۷۳-۷۴
۰/۹۷	۸۹	۰/۹۶	۱/۳۵	۱/۰۹	۰/۳۹	۱۳۷۴-۷۵
۱/۰۹	-۲۹۶	۱/۱۲	۱/۳۷	۱/۱۲	۰/۵	۱۳۷۵-۷۶
۰/۹۲	۳۰۷	۰/۹	۱/۳۴	۱/۱۳	۰/۴۵	۱۳۷۶-۷۷
۰/۸۳	۸۰۳	۰/۷۹	۱/۵۶	۱/۳۲	۰/۴۷	۱۳۷۷-۷۸

۰/۷۹	۱۱۷۹	۰/۷۴	۱/۲۷	۱/۱۳	۰/۵۳	۱۳۷۸-۷۹
۰/۹۲	۴۶۱	۰/۹	۱/۱۸	۱/۰۶	۰/۵۷	۱۳۷۹-۸۰
۰/۸۵	۵۷۱	۰/۸۵	۱/۲۱	۱/۰۲	۰/۴۸	۱۳۸۰-۸۱
۰/۷۷	۶۴۲	۱/۱	۱/۱۱	۱/۲۵	۰/۶۱	۱۳۸۱-۸۲
۰/۶۸	۵۵۱	۰/۹	۱/۲۱	۱/۳	۰/۵۵	۱۳۸۲-۸۳

مأخذ: یافته های تحقیق

چغندر قند

بر اساس نتایج جدول زیر دولت در طی سال های مورد بررسی قویاً از بازار نهاده های قابل تجارت در تولید چغندر قند حمایت کرده و مقایسه روند حمایت ها نشان می دهد که مقدار عددی ضرایب حمایت اسمی نهاده (NPCI) در سالهای آخر به کمترین مقدار خود در طول دوره رسیده اند. اما مقایسه روند ضریب حمایت اسمی محصول (NPCO) نشان می دهد که دولت طی سالهای ۷۵-۱۳۶۸ قویاً از بازار محصول عدم حمایت نموده است. بدین معنی که حمایت ها و مداخلات دولت در بازار فروش محصول به شدت به صورت عدم حمایت بوده است. مقایسه معیارهای مختلف مزیت نسبی چغندر قند نشان دهنده این مطلب است که تولید چغندر قند در اکثر سال ها قویاً از مزیت نسبی برخوردار بوده است.

جدول ۵: ضرایب حمایت و معیار های مزیت نسبی چغندر قند برای سال های ۸۳-۱۳۶۸

سال زراعی	NPC _I	NPC _O	EPC	DRC	NSP (هزار ریال)	SCB
۱۳۶۸-۶۹	۰/۱۴	۰/۱۲	۰/۱	۰/۰۹۷	۳۹۳۱	۰/۲۱
۱۳۶۹-۷۰	۰/۲۲	۰/۱۶	۰/۱۶	۰/۰۹	۴۵۰۶	۰/۲
۱۳۷۰-۷۱	۰/۱۹	۰/۱۸	۰/۱۸	۰/۰۹۷	۵۵۸۵	۰/۲
۱۳۷۱-۷۲	۰/۲۴	۰/۲۳	۰/۲۲	۰/۱۷	۴۸۶۶	۰/۲۵
۱۳۷۲-۷۳	۰/۲۹	۰/۲۳	۰/۲۲۳	۰/۱۳	۷۵۱۱	۰/۲۰۹
۱۳۷۳-۷۴	۰/۱۶	۰/۲۱	۰/۲۲۶	۰/۱۹	۷۱۴۰	۰/۳۳
۱۳۷۴-۷۵	۰/۱۵	۰/۲۷	۰/۳۱	۰/۲۲	۶۲۲۱	۰/۴۳
۱۳۷۵-۷۶	۰/۱۹	۰/۳۵	۰/۴	۰/۳۲	۵۶۰۰	۰/۵
۱۳۷۶-۷۷	۰/۲	۰/۴۵	۰/۵۵	۰/۳۴	۵۴۷۶	۰/۵۳
۱۳۷۷-۷۸	۰/۰۸	۰/۴۷	۱/۷۴	۱/۳۶	-۹۳۵	۱/۰۸
۱۳۷۸-۷۹	۰/۰۸	۰/۶	۱/۷	۱/۰۷	-۶۴	۱/۰۰۵

۰/۸۹	۱۴۰۷	۰/۷۷	۰/۹۶	۰/۵۲	۰/۱۳	۱۳۷۹-۸۰
۰/۷۸	۱۵۴۸	۰/۶۸	۰/۸۵	۰/۵۷	۰/۲	۱۳۸۰-۸۱
۰/۹۷	۱۴۹۵	۰/۹۵	۱/۲	۰/۴۷	۰/۰۹	۱۳۸۱-۸۲
۱/۱	-۵۵۸	۱/۰۱	۰/۸۹	۰/۵۹	۰/۱۹	۱۳۸۲-۸۳

مأخذ: یافته های تحقیق

نتیجه گیری کلی و پیشنهادات

به طور کلی نتایج بدست آمده از مطالعه نشان داد که دولت در سالهای اولیه از طریق پرداخت یارانه ضمنی به نهاده های قابل تجارت سعی در افزایش انگیزه های اقتصادی تولید محصولات داشته است. اما به دلیل عدم حمایت و دریافت مالیات ضمنی از فروش محصولات، این فرآیند یارانه ای نهاده ها را خنثی نموده است. بنابراین سیاستهای حمایتی دولت در بیشتر این سالها به صورت بازدارنده بوده است. اما در سالهای پایانی و خصوصاً از سال ۱۳۷۴ به بعد سیاست های دولت بر اساس نگرش دولت به بخش کشاورزی در برنامه های توسعه تغییر جهت داده است. به طوری که در اکثر سالهای پایانی مطالعه، دولت روند حمایت خود را از نهاده های قابل تجارت کاهش داده است و از طریق افزایش قیمت های تضمینی محصولات خصوصاً برنج و پنبه سعی کرده است که انگیزه های اقتصادی را برای تولید تقویت نماید که در این امر نیز برای برخی از محصولات خصوصاً برنج و پنبه و تا حدی نیز، چغندر قند موفق عمل کرده است. مقایسه روند حمایت های دولت با معیارهای مختلف مزیت نسبی نیز حاکی از این مطلب است که در اکثر سالهای مورد بررسی میزان حمایت های دولت تناسبی با مزیت نسبی محصولات (بر اساس هر سه معیار) نداشته است. در مورد عدم تناسب میزان حمایت های دولت با مزیت نسبی محصولات، باید این نکته را در نظر داشت که مزیت نسبی یک معیار اقتصادی است که تولید بر اساس آن می تواند به هدایت منابع و عوامل تولید در تولید محصولات با بازده بالاتر یا نجامد و در نهایت با تخصیص کارای عوامل تولید موجبات رشد اقتصادی و رفاه جامعه را فراهم نماید. اما در این زمینه ممکن است سیاست گزاران و مدیران جامعه در برنامه ریزی مربوط به تولید محصولات اهداف دیگری را همچون، حفظ قدرت خرید مصرف کنندگان در برابر افزایش قیمت کالاهای اساسی، حمایت از صنایع داخلی، استقلال سیاسی و امنیت غذایی را مورد توجه قرار دهند. بنابراین در برخی شرایط نبود تولید بر اساس معیار مزیت نسبی دور از انتظار نخواهد بود. اما نکته قابل توجه ای که از این مطالعه بدست آمد این بود که در اکثر سالهای مورد مطالعه و برای تمام محصولات، بین میزان حمایت های دولت و مزیت نسبی محصولات تناسبی وجود نداشت. حتی در سالهای پایانی این وضعیت در شرایط بدتری قرار گرفته است. به طوری که

محصولات با مزیت نسبی کمتر از حمایت‌های بیشتری برخوردار شده‌اند. حال موضوعی که باید بدان توجه داشت این است که ادامه چنین روندی در طولانی مدت یا در آینده از نظر اقتصادی قابل توجیه نخواهد بود. زیرا ادامه چنین روندی علاوه بر تخصیص غیرکارای منابع و عوامل تولید موجب می‌شود که منابع تولیدی در فعالیتهای با بازده کمتر به کار گرفته شود. از این طریق باعث اتلاف و هدر رفتن منابع گردد. همچنین این امر باعث تحمیل هزینه‌های سنگین بر بودجه عمومی دولت می‌شود. که در نهایت موجب از دست رفتن فرصت‌های سرمایه‌گذاری، تحمیل هزینه‌هایی به جامعه و کاهش رفاه عمومی می‌شود. همچنین وجود چنین روندی با ساختار نظام بازارهای جهانی کمتر تطابق دارد و باعث می‌شود که تولیدکنندگان داخلی به هنگام شدن با این بازارها آمادگی مقابله با پیامدهای آن را نداشته باشند. از اینرو در نهایت ضرر و زیان‌هایی متوجه کل اقتصاد و جامعه می‌گردد. اینک با توجه به موارد مطرح شده در بالا می‌توان گفت که ارایه برخی از راهکارها می‌تواند تا حدی از بروز چنین مشکلاتی جلوگیری نماید. از جمله این موارد: بازنگری در میزان و روش‌های پرداختی یارانه به نهاده‌های کشاورزی، بازنگری در چگونگی تعیین قیمت تضمینی برخی از محصولات و تعداد محصولات تحت پوشش، و سرمایه‌گذاری در تحقیقات کشاورزی و اصلاح مسیرهای بازار یابی و بازنگری در ساز و کارهای سازمان‌های ترویجی می‌باشد.

فهرست منابع

- ۱- اسلامی، س.ا. ۱۳۸۱. "سیاست‌های حمایتی و نقش آن در توزیع درآمد". مجله برنامه و بودجه. شماره ۵۷.
- ۲- بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران. ۸۳-۱۳۶۸. گزارش اقتصادی و ترازنامه. اداره بررسی‌های اقتصادی.
- ۳- بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران. ۸۳-۱۳۶۸. نماگرهای اقتصادی. اداره بررسی‌های اقتصادی.
- ۴- بخشوده، م. ۱۳۸۰. "پیش‌بینی تأثیرات حذف دخالت دولت از بازار گندم". اقتصاد کشاورزی و توسعه. شماره ۳۵.
- ۵- پیرایی، خ. و مجاوریان، م. ۱۳۸۲. "بررسی اثر سیاست حمایت دولت از محصولات زراعی بر رشد عوامل تولید در ایران". مجله تحقیقات اقتصادی. شماره ۶۲.
- ۶- توکلی، ا. و الله مراد، س. ۱۳۸۱. بررسی مزیت نسبی پویا و عوامل مؤثر بر آن در صنایع منتخب ایران. رساله دکتری. دانشگاه اصفهان.
- ۷- دیتیر، ج. آویلز، ف.، فی نان، ت.، توسلینگ، ت.، اولگان، ح جانسن، د. ۱۳۷۲. اقتصاد سیاسی و سیاست قیمت‌گذاری کشاورزی. ترجمه م. فخرایی. مرکز مطالعات برنامه ریزی و اقتصاد کشاورزی.

- ۸- رحمتی، ع. ۱۳۷۹. بررسی اثر سیاست های حمایتی دولتی بر رشد عرضه محصولات کشاورزی با تأکید بر گندم، برنج، چغندر قند و پنبه. پایان نامه کارشناسی ارشد. دانشگاه شیراز.
- ۹- رحیمی، ع. ۱۳۷۶. "مبانی نظری سیاست های حمایت از کشاورزی، با نگاهی به ایران". فصلنامه روستا و توسعه. شماره ۲ و ۳.
- ۱۰- سلیمی فر، م. و فرزید، ج. ۱۳۸۱. "بررسی مزیت نسبی آشکار شده کالاهای صادراتی استان خراسان طی سال های ۸۰-۱۳۷۰". مجله پژوهش های اقتصادی. شماره ۶۰.
- ۱۱- گمرک جمهوری اسلامی ایران. ۸۳-۱۳۶۸. سالنامه های آمار بازرگانی خارجی جمهوری اسلامی ایران. معاونت طرح و برنامه. اداره کل آمار و اطلاعات.
- ۱۲- نجفی، ب. ۱۳۸۰. "بررسی سیاست های دولت در زمینه گندم: چالش ها و رهیافت ها". اقتصاد کشاورزی و توسعه شماره ۳۴.
- ۱۳- نجفی، ب. ۱۳۸۱. "بررسی سیاست حمایت قیمتی در چغندر قند: مسائل و رهیافت ها". اقتصاد کشاورزی و توسعه. شماره ۳۹.
- ۱۴- وزارت جهاد کشاورزی. ۸۳-۱۳۶۸. نتایج طرح آمارگیری هزینه تولید محصولات کشاورزی. نتایج کل کشور. اداره کل آمار و اطلاعات.
- ۱۵- وزارت جهاد کشاورزی. ۱۳۸۲. بررسی مزیت نسبی محصولات کشاورزی منتخب. معاونت برنامه ریزی اقتصادی. مؤسسه پژوهش های برنامه ریزی و اقتصاد کشاورزی.
- 16- Balassa, B. and Schydrowsky, D. M. 1972. "Domestic resource cost and effective protection once again". Journal of Political Economy. Jan/ Feb 80:63-69.
- 17- Camara, Y. and Staatz, J. M. 2004. "Comparing the profitability of cassava-based production systems in three West African countries: Cote d'Ivoire, Ghana and Nigeria". Staff Paper No 3. at (<http://www.aea.org>).
- 18- Choudhary, J. and Mohanty, S. 2003. "Assessing competitiveness of Indian cotton production: A policy analysis matrix approach". Working Paper No 301. Iowa State University. at (<http://www.fapri.org>).
- 19 Fang, C. and Beghin, J. 2003. "Food self-sufficiency, comparative advantage and agricultural trade: A policy analysis matrix for Chinese agriculture". Trade Policy Research and Analysis Symposium of the IATRC. at (<http://www.fapri.org>).
- 20- FAO, aps.fao.org.

- 21- Gorton, M. and Davidova, S. 2003. "The international competitiveness of CEEC agriculture". British Association of Slavonic and East European Studies Conference. Cambridge.
- 22- Krueger, A. O. 1972. "Evaluating restrictionist trade regimes: Theory and measurement". Journal of political Economy. Jan/Feb. 80: 48-62.
- 23- Kubursi, A. A. 2005. "Lebanon's agricultural potential: A policy analysis matrix approach". at (<http://www.aaea.org>) .
- 24- Masters, W. A. and Winter- Nelson, A. 1995. "Measuring the comparative advantage of agricultural activities: Domestic resource cost and the social cost- benefit ratio". American Journal of Agricultural Economics 77:243-250.
- 25- Mbiha, E. R. 1999. "Effects of government intervention in maize production and marketing: Implications for agricultural marketing and price liberalization in Tanzania". Agricultural Economics Analysis and Rural Development 3(2):33-56.
- 26- Monke, E. A. and Pearson, S. R. 1989. The Policy Analysis Matrix for Agricultural Development. Cornell University Press.

Abstract

Effects Of Government Protection Policies On Economic Incentives Of Main Crops: A Policy Analysis Matrix Approach (PAM)

The main objective of this study is to determine the effects of government protection policies on economic incentives of wheat, rice, cotton, sugar beet, producers in Iran during 1989-2004. To achieve this objective, a policy analysis matrix (PAM model) was used and nominal protection coefficients, effective protection coefficient, comparative advantage and profitability for the crops were estimated. The results indicated that the government protection policies caused economic incentives for studied crops to be weakened except for rice and cotton. The results also revealed that in spite of the fact that most of the crops had comparative advantage but it was gradually deteriorating during the period of the study. Results of the study also showed that government protection had no relationship with comparative advantages of the crops.

Finally, some recommendations are made to improve government protection policies.

Key words: policy analysis matrix comparative advantage Protection Policies crops